

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب تذکره مجمع شاه ویرجیل و رعیت ایران

کتابخانه مرکزی

مؤلف

مترجم

موضوع

۱۸۰۸۰

شماره قفسه



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۹۰۸۶۳

۱۱۹۹۷

۱۳۳۰

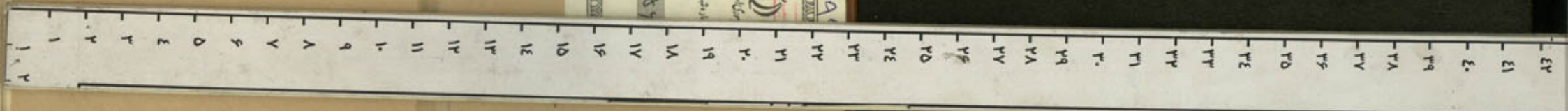
۱۳۳۰

۱۳۳۰

- ۱
- ۲
- ۳
- ۴
- ۵
- ۶
- ۷
- ۸
- ۹
- ۱۰
- ۱۱
- ۱۲
- ۱۳
- ۱۴
- ۱۵
- ۱۶
- ۱۷
- ۱۸
- ۱۹
- ۲۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
کتاب تذکره مع شاه در مجال و صحبت ایران
مؤلف: آقا میرزا محمد
موضوع: تاریخ
شماره قفسه: ۱۵۰۵

۱۱۹
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰
۱۰۱
۱۰۲
۱۰۳
۱۰۴
۱۰۵
۱۰۶
۱۰۷
۱۰۸
۱۰۹
۱۱۰
۱۱۱
۱۱۲
۱۱۳
۱۱۴
۱۱۵
۱۱۶
۱۱۷
۱۱۸
۱۱۹
۱۲۰
۱۲۱
۱۲۲
۱۲۳
۱۲۴
۱۲۵
۱۲۶
۱۲۷
۱۲۸
۱۲۹
۱۳۰
۱۳۱
۱۳۲
۱۳۳
۱۳۴
۱۳۵
۱۳۶
۱۳۷
۱۳۸
۱۳۹
۱۴۰
۱۴۱
۱۴۲
۱۴۳
۱۴۴
۱۴۵
۱۴۶
۱۴۷
۱۴۸
۱۴۹
۱۵۰



۲۲۱

۴۵

ده هکتار
 کاملاً
 ۱۱۵۱
 ۹۰۰۰
 نامالدین
 ۵



۱۵۰۵۰
 ۹۰۵۶۳

۱۹۹۷
 ۱۹۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این وزیر با واسطه این سپاه

بزرگ که نوعی از فتور خوانده میشود

و اسباب هم و غم از برای

قلم

قاطبه ناس فراهم است

بسیب غصه شهادت پادشاه

رؤف اسلام ناصر الدین

شاه نور الله بر صبح و حسب الامر

علی حضرت اقدس شهریار همیون

مظفر الدین شاه روخافدا

حواس جناب صدر اعظم مشعل

نظم و سق طرق و شوارع بلاد

دور دست و تهیه شرفا

ورود موكب همیون حفظ الله

در نه

در شهر دارا اخلاد و همسوع ایمنت

و نظم موجود است بطوری

که تاریخ نشان میندهد از بنای

این شهر تا اکنون در د پاسبان

و گرن شبان شهادت دروب خانه ها

باز و اموالها ریخته و پا اندازد

از ناگیدایت اکید شاهنشاهی

پی خواب و آرامی صدارت پیا

خونی بر ریخت و احدی نیاید

مالی نیا و بخت مکر پول سیا
که ارد

که از دست کسبه رو سیاه با عث

کرانی و سختی شده بوی ما شگری

از اغلب مردم استشمام

منوده رجوع بکتب تو ارج کرده

دیدم الحق ملاحظه انصاف

ندارند وقت در این شاهنشاه

ایدانده سره و این جدارت

حفظ اندلم صبه را میداند که با چه

درجه تا کیدات بلیغ از شاه

دل آگاه شد و چه تدبیرت

صدر

صائب در گاه و بیگاه از

از صدر اعظم بروز ظهور کرد چه بایه

مخارج کراف صدر اعظم نمود

و عاقل از عالم دانی نبود تا

تا قطره خون از دماغ کسی بچکید

دجره و خانه احدی را نریزند

و اگر کسی در این ساحه شی

بیشام و روری آرام بود شخص

معدس بادشاه روحافدا

بود که فرمانهای تلکرافنی و بکونی

کخط

ل
کخط رعیته و صدر اعظم لامتا

امره اما دو شکر و او در کا

و باب تعالی لازم تکبیر که مهمنت

رکاب این علم حضرت شاهنشاه

حاله ما مظفر الدین شاه روحنا ^{فداه}

که سایه خورشید مایه اش

پاینده باد و کیشکر حقه صدر ^{عظم} ا

که بچندین صفت اراسته

و انا بینا تو انا که نه مضایقه

از مال است و نه از حال

چنانچه

چنانچه گفتند شب اول

ساخته بجهت بدینتی نا تو او که

در ایام سلامت قلب دارند

فرت الله بضعفا تعدی خواند

مرد جمعی کشیر را مان معاش

داد و در نقاط دور و نزدیک

لفظاً و تکراراً سواره و پیاده

نامور حافظ و حارس مسعود

و این تشکر از آن سبب است

برای این پادشاه رعیت دوست

نظر

پی نظیر و وزیر با تدبیر زرا

که هیچ پادشاه از مشرق زمین

رحلت ننمود که از خون پیمانۀ

پمود و سرها بدار نرفت

و دارها پی جدار نشد و طرق

بمیدار گشت مگر در این سانحه

که مورخین ربع مسکون همه

تربیع خیر گرفتند و سانحه

بی مفسده گفتند و در همه مکان

همه زبان نوشتند مہمیت

این کارا

این کارا و کفایت این چاکر

محترم با ادا برا و لیکن در این مختصر

موجز مقصود است و آن

این است که در بلاد متمدن

عام و خاص لغض میرسند از

وقار این شاه و خوش رکاب

و اداب این وزیر و نکته دانی

سواهی انالی ایران که عامه بی بهر

و خواص ملتفت طلبا لمرضات^{الله}

لسخه چند نمینو لیسیم یاد کار ما^{ند}

و نام

و نام نهادم تذکره مدح شاه

و رجال و رعیت ایران جفت

بالاسن و الامان چون انالی اروپا

مردم ایران را و حشمتی میخوانند در صورتی

که خود آنها اداب شاه و رجال

رعیت را میداند رعایا ^{نفس}

این تاریخ باشد که بدانند امیر و

رئیس و مروّس همه در شاه

پرستی حاضرند حیرت آن ^{ست}

که ممکن است در حضور پادشا ^{هم}

رئیس

رئیس امیر و سی حاکمی با محکومی

در مقام کتاجی بر آید و لیکن

در غیاب این پادشاه پاشا ^{رت}

با بشارت اشرف و زار و ^{ین}

امرا کتاجی و نامقیدی ^ل

این صدارت کبر اور رعیت

مهر پر ارادانسته هم برد جاتا

وزیر با تدبیر افزود هم ساعتی
بخشش

ارمغان حکام بود و دست

چو راز سر رعیت بر دود آما آنچه

و حال مردم متروک و معدوم

بود تا شاه تخت و جاه شرف

نزول از زانی فرمود و از روشن

ضمیری این بادشاه دل آنگاه

مدح همین بس که قدر خدایت

این صدارت

میکردند پذیر نیست محترم از

را
بسکه تقرب میداد در علما و بپایا

مثل آنکه در مسجد می که سی هزار

جمعیت بود چنانچه سایر امرا

و وزراء عسکری بلکه جلوس می نمود

از دنیا عبرتست از دنیا اینکه

ناصرالدین شاه از سلسله ^{جلوس}

قاجار قاهر و غالب

بصفت ^{بسته} حسن آراسته و پیرا

در مرتبه عفو اعراض سخاوت

دشمنان

ترد و منع نمود این رک فطرت

عزیز طوایت ناصر الدین شاه
القعد

قاجار را در یوم جمعه هفدهم دی

هزار و سیصد و سیزده هجری

در بقعه حضرت عبدالعظیم ^{کف سنگی}
_{کعبه}

و شجاعت پردلی بهمه جهت

محبوب عام و خاص منکر شد

بطوری مطبوع طباع بود که

در ظرف پناه سال سلطنت احد

اجحاف و تعدی از وادعا ^{منکر}

اگر طلبی هم در نقطه ارایران دیده

میشد محمول بر حکام جور بود شخص

ناصرالدین شاه را معصوم

مانند میدانشند عبرت دنیا

چنین جو و قاهر محبوب را که گمان
سکینه

حالی از ماضی و مستقبل بود و شتر

و خیر رجال و غیره را از دور مشاهده

میفرمود کاف کفایت را در کف

کافی اعقل از رجال جناب اثر ف

اکرم فخر میرزا علی صغر خان صدر اعظم عظم

مشہود دید زمام رتق و فوق

و نظم و نسق کلیہ امور را کف

کافیست و اگذار فرمود عام

و خاص حاضر و غایب شاہدند

کہ این برک و زراہ بطوری ^{عہد} از

مست

شہر طہران شہید کرد

قاتل ملحد میرزا رضا کرمانی بدعوت

کہ سہ مرتبہ ہمیں شاہ شہید

خطای اور انجشید و ارجس

نجات داد بعدد یکینر سپاہ

این خدمت برآمد که در تواریخ همه

دنیاداستان شد که گفتند هیچ ^{مصری}

وزیری این جان نثاری بردباری را

نداشته و نتوانسته بعضی ^{نظم}

و تائین بر اثر خوش قلبی خود ^{علیحدت}

شاه را شهید نمود بعد از وقوع

این سانحه و دستور حضرت ^{لیعهد}

پادشاه حاله ما از پای تخت

دور و مخاطرات خطیر موفور

پادشاه دل گاه که آینه ضمیرش

اقدس محمودی میداند بدلیل آنکه

وجود مبارکش در ظرف سی سال تجدید

و نافله مستحبی و تهلیل و اوراد و تسبیح

راتارک نبوده و حال آنکه سلاطین

در شکارگاه و موانع دیگر تارک و ^{رضیه}

بوده

بوده اند تقدیس یا پادشاه حالیه را

شک نداریم خدا پرستی باعث

نصرت است شبه ندارد و بخواهی

وما النصر الا من عند الله و اثرش کار

اهل بخریه قایل اندریبی نیست

با وجود این مکورات خدمات

نمایان صدارت را کسی نمیتواند

منکر شود و در سندی که وزیر

بزرگ را به پنداریا میکنند مثل ^{صیف}

ارسطو بود ز جمهر صاحب عباد

خرام

خواجه نظام الملک محی و جعفر رکنی

در عصر ما میرزا تقی خان انانک ^{عظم}

بر همه مقدم و مصدر است زیرا

که وزیران مذکور بی سفک و ما و بهم

قلاع و بقاع نبود و صدر حالیه

۲۰
باخوی بهشت خدائی بجای^{ورد}

فوق قوه بسیار کنشت

بی رنجین خون و خرابی درون

بیرون امیدوار که خداوند و نعمتی

ایرانرا همیشه در سایه امن سلسله^{جلیل}

پایند

پاینده بدارد و مسند صدرا

باین روح و دمان اسبیل برارنده

بگذارد بچول الله و قوه او نصره^{الله}

و عزت الله

